

**جشنواره فیلم فجر**

اسامی برندگان بخش «سودای سیمرغ»

**شب سیمرغی «ابد و یک روز»**



گروه فرهنگ و هنر: سرانجام پس از ۱۰ روز رقابت و اکران فیلم‌های جشنواره سی‌وچهارم، جوایز بخش‌های مختلف در مراسم اختتامیه جشنواره اعلام شد و سیمرغ‌ها در بخش «نگاه نو»، «سینما حقیقت»، «هنر و تجربه» و «سودای سیمرغ اعلام شدند. همچنین فیلم «فس» ساخته نرگس آبیار جایزه بهترین فیلم با نگاه ملی را دریافت کرد و انیمیشن «فهرست مقدس» ساخته محمدامین همدانی هم جایزه بهترین انیمیشن را دریافت کرد. همچنین در بخش بهترین فیلم از نگاه تماشاگران که به شکلی مکانیزه به رأی گیری مردمی در سینماهای سطح شهر درآمد، فیلم «ابد و یک روز» با کسب ۳/۶۱ از ۴ در صدر فیلم‌های برگزیده آرای مردمی قرار گرفت و سیمرغ این بخش را هم به جوایز خود اضافه کرد. در رتبه دوم بهترین فیلم تماشاگران هم فیلم «بادیگار» با ۲/۴۳ ایستاد و فیلم «ایستاده در غبار» با ۲/۱۳ سوم شد.

■ **اسامی برندگان بخش «سودای سیمرغ» بهترین جلوه‌های بصری:** سیدهادی اسلامی برای فیلم «بادیگار»

**بهترین جلوه‌های ویژه میدانی:** ایمان کریمیان برای فیلم «ایستاده در غبار»

**بهترین چهره‌پردازی:** سعید ملکان برای فیلم «ابد و یک روز»

**بهترین طراحی صحنه و لباس:** محمدرضا شجاعی برای «ایستاده در غبار»

**بهترین صدا:** حسین مهدوی، محمدرضا دلاپاک و سعید بجنوردی برای فیلم «لاتوری»

**بهترین موسیقی متن:** محمدرضا علیقلی برای فیلم‌های «امکان مینا» و «دختر»

**بهترین تدوین:** بهرام دهقانی برای «ابد و یک روز»

**بهترین فیلمبرداری:** پیمان شادمان‌فر برای خشم و هیاهو

**بهترین نقش مکمل مرد:** نوید محمدرزاده برای بازی در فیلم ابد و یک روز

**بهترین نقش مکمل زن:** شبنم مقدمی برای بازی در فیلم‌های نفس و زاپاس

**بهترین بازیگر نقش اول مرد:** پرویز پرستویی برای بازی در فیلم بادیگار

**بهترین بازیگر نقش اول زن:** بریناز ایزدیار برای بازی در فیلم ابد و یک روز

**بهترین فیلمنامه:** سعید روستایی برای نگارش فیلمنامه ابد و یک روز

**بهترین کارگردانی:** سعید روستایی برای فیلم ابد و یک روز

**بهترین فیلم:** حبیب‌والی‌نژاد برای تهیه‌کنندگی فیلم ایستاده در غبار

■ ■ ■

سیدمحمود رضوی، تهیه‌کننده فیلم «سیانور»:

### با این هیأت داوران معلوم بود کاندیدا نخواهیم شد

سیدمحمود رضوی در نشست فیلم «سیانور» که با حضور عوامل فیلم و اهالی رسانه در کاخ جشنواره برگزار شد، با انتقاد از نحوه انتخاب داوران جشنواره سی‌وچهارم عنوان کرد: وقتی در ابتدا ترکیب هیأت داوران را دیدم به بهروز شعبیی گفتم از این ترکیب یک کاندیداتوری هم برای ما بیرون نمی‌آید یا این حال رضوی تأکید کرد: در کشور هیچ فیلمسازی را نمی‌توانید پیدا کنید که بگوید جشنواره برایش مهم نیست، چون مهم است و این جشنواره جشن سینمای ایران و آغاز سال سینمای ایران است. ما هم جشنواره را قبول داریم و به داوری‌هایی هم که وجود داشته، احترام می‌گذاریم. همچنین بهروز شعبیی، کارگردان فیلم «سیانور» در این نشست ضمن انتقاد از داوری صورت یافته، گفت: منتفاسنه جشنواره تبدیل به تخم‌مرغ شلشی شده که هر سال اتفاق عجیبی در آن می‌افتد.

■ ■ ■

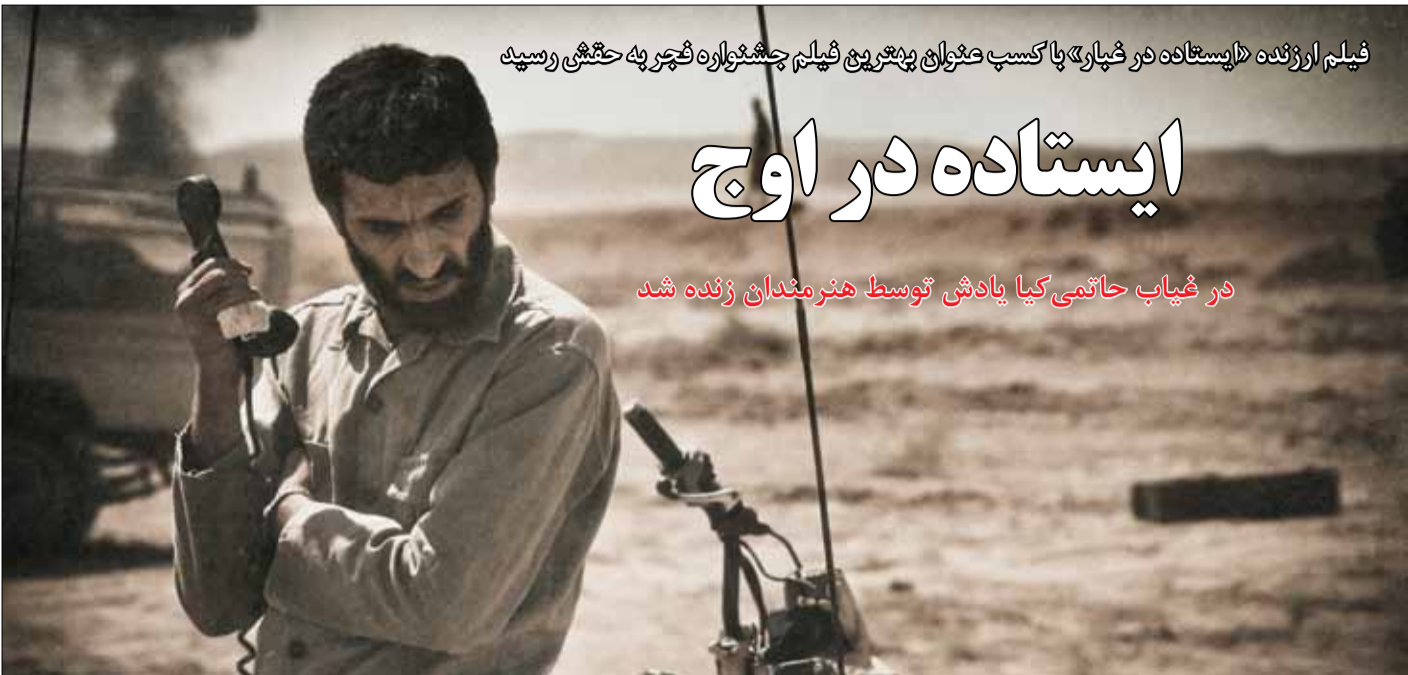
### انتقاد عوامل فیلم «لاک قرمز» به شیوه ادیباتی نقد در برنامه «هفت»

نشست خبری فیلم سینمایی «لاک قرمز» در حالی برگزار شد که عوامل فیلم نسبت به توهین رخ داده در برنامه «هفت» به این فیلم بشدت دل‌آزده بودند. در این نشست محمدرضا سکوت مدیر فیلمبرداری فیلم سینمایی لاک قرمز در واکنش به اظهارات منتقد برنامه هفت که فیلمبرداری این فیلم را «حماقانه»، «حال بهم‌زن» و «هتوح‌آور» توصیف کرده بود گفت: در تمام مدت فعالیت حرفه‌ای‌ام متأسفانه هیچکس به اندازه برنامه هفت به حرفه ما توهین نکرده بود. به نظر من اینکه با چنین الفاظی درباره یک فیلم صحبت کنیم، نقد تخریبی است و خیلی‌ها فکر می‌کنند در برابر اینها باید سکوت کرد اما من جمله‌ای را از امام خمینی در ذهن دارم که فرمودند «هنر مبین روح در انسان‌هاست» ولی در برنامه زنده تلویزیونی به ما توهین می‌شود.

**فیلم ارزنده «ایستاده در غبار» با کسب صحران پرستی، پنج فیلم جشنواره فجر به حشیش رسید**

# ایستاده در اوج

**در غیاب حاتمی‌کیا یادش توسط هنرمندان زنده شد**



فرمتزی اسماعیل‌دوست: جشنواره سی‌وچهارم فیلم فجر ایستگاه پایانی را روز پنجشنبه ۲۲ بهمن ماه با معرفی برگزیده بخش‌های مختلف پشت سر گذاشت. در جشنواره‌ی ۱۰ روزه که پادها زنده شد و هر روز ۵ تا ۶ فیلم تا نیمه‌های شب به دیده مشتاقان سینمای ایران در کاخ جشنواره و نیز در سینماهای سطح شهر درآمد. جشنواره‌ای که گاه چنان عذاب‌آور به لحاظ سطح نازل برگزاری و کیفیت فیلم‌ها می‌شد که تنها عشق به سینما یاری‌دهنده روزهای غذاب‌آور و کسالت‌بار بود؛ فیلم‌هایی که برخلاف نشان‌گذاری مسؤوّلان سینمایی مبنی بر امید، غصه‌ها برافراشته و گاه نگاهی مغایر با اخلاقی را در تصور وهم‌گونه سازندگان خود منظری برای نشاط و سرگرمی دانستند! اما بودند آثاری که در میان غبار نشسته در تصویر، به لحاظ درون‌مایه و فرم روایی با وجود حرفه‌هایی در بیان توانستند فاصله خود را از سطح نازل مابقی آثار حفظ کنند. خوشبختانه همانطور که پیش‌بینی شده بود سیمرغ‌های این دوره بر شانه‌های آنها نشست. فیلم‌های «ایستاده در غبار» و «ابد و یک روز» در مراسم اختتامیه جشنواره سی‌وچهارم رقابتی شانه به شانه را دنبال کردند، چرا که «ابد و یک روز» در ۱۰ بخش و «ایستاده در غبار» در ۸ رشته کاندیدا بودند که تقریباً در بخش‌های مختلف لایق‌ترین‌ها انتخاب شدند و فیلم قابل توجه «ابد و یک روز» شب طلایی اختتامیه را با کسب ۷ سیمرغ در بخش «سودای سیمرغ» و ۲ سیمرغ در بخش «نگاه نو» از آن خود کرد البته در میان معرفی کاندیداها حضور فیلم بدون ساختار و به هم ریخته «امکان مینا» با ۹ بخت برای کسب جایزه جای ایهام بیگ گناشت که خوشبختانه هیچ سیمرغی را در شب اختتامیه کسب نکرد.

مراسم اختتامیه جشنواره که در برج میلاد و با حضور هنرمندان و مسؤوّلان برگزار شد، مانند همیشه همراه با گفته‌ها و حواشی بسیار بود، چنانکه در ابتدای برنامه، نامه دل‌انگیزانه(د) محمد حیدر خطاب به دبیر جشنواره سی‌وچهارم به گوش حصار رسید که در آن از انتخاب نوشته بود و از تازادی، درام زندگی که از این انتخاب روی می‌دهد و در پایان هم باز امید به میدان فراخوانده شد تا در نامه دبیر به خود تعریف از نقشی‌یابد که آینده را می‌سازد. این نامه که همراه با سوزناکی آهنگی بود در پایان مفهوم امید را برای دبیر به بار نشانده، آنجا که حکم دبیری دوره بعدی جشنواره فیلم فجر از رئیس سازمان سینمایی دریافت کرد. نکته قابل توجه در مراسم اختتامیه طراحی خلاقانه مجریان مراسم بوده که نورپردازی و جلوه بصری جذاب و گل‌آرایی قابل توجه در جلوی صحنه، شکلی متمایز به مراسم بهخشید. در اختتامیه جشنواره، فیلم «A۱۵۷» عنوان بهترین مستند را در بخش «سینما حقیقت» از آن خود کرد.

مراسم اختتامیه جشنواره که در برج میلاد و با حضور هنرمندان و مسؤوّلان برگزار شد، مانند همیشه همراه با گفته‌ها و حواشی بسیار بود، چنانکه در ابتدای برنامه، نامه دل‌انگیزانه(د) محمد حیدر خطاب به دبیر جشنواره سی‌وچهارم به گوش حصار رسید که در آن از انتخاب نوشته بود و از تازادی، درام زندگی که از این انتخاب روی می‌دهد و در پایان هم باز امید به میدان فراخوانده شد تا در نامه دبیر به خود تعریف از نقشی‌یابد که آینده را می‌سازد. این نامه که همراه با سوزناکی آهنگی بود در پایان مفهوم امید را برای دبیر به بار نشانده، آنجا که حکم دبیری دوره بعدی جشنواره فیلم فجر از رئیس سازمان سینمایی دریافت کرد. نکته قابل توجه در مراسم اختتامیه طراحی خلاقانه مجریان مراسم بوده که نورپردازی و جلوه بصری جذاب و گل‌آرایی قابل توجه در جلوی صحنه، شکلی متمایز به مراسم بهخشید. در اختتامیه جشنواره، فیلم «A۱۵۷» عنوان بهترین مستند را در بخش «سینما حقیقت» از آن خود کرد.

■ **«گاهی» ساخته محمدرضا رحمانی**
یک اثر به هم ریخته که تنها ادعای تجربه‌گرایی دارد و بیشتر ابدسازی تعدادی بازیگران در سلفی گرفتن با موبایل است!ا فیلمی که بدون فیلمبردار و توسط گوشی همراه ضبط شد و هیچ رنگی از مدیریت کارگردانی در آن نمی‌توان یافت. نبود عناصر بصری و فقدان لحن و درام در این اثر گسخته، شکستی مطلق در بحث ساختار سینمایی را رقم زد. در این میان، مساله مهم در انتخاب فرم و مدیوم روایت در سینمای ایران بوده که چندی است به بهانه مستقل بودن و کاهش هزینه‌های ساخت به سمت ژست فیلمسازی با امکانات گوشی همراه رفته است و لزوم توجه به این نکته را نزد فیلمسازان جاری می‌سازد که شکل متمایز فیلمسازی نباید

**سعید قاسمی:** «سیانور» دومین فیلم بهروز شعبیی، کارگردان فیلم تحسین‌شده «دهلیز» است. وقایع فیلم جدید شعبییی که در جشنواره سی‌وچهارم رونمایی شد در سال ۵۴ اتفاق می‌افتد. در پی ترور ۲ آمریکایی توسط سازمان مجاهدین خلق، یک مامور ساواک با نام بهمنش (مهدی هاشمی) برای دستگیری عاملان ترور گمارده می‌شود. او بعد از تحقیقات متوجه می‌شود بین اعضای تشکیلات سازمان مجاهدین اختلافات ایدئولوژیک به وجود آمده و موجب دودستگی آنها شده است، بهمنش آنها را دستگیر می‌کند و دادگاه حکم به اعدام اعضای سازمان می‌دهد. آنچه در «سیانور» باعث می‌شود مخاطب تا انتهای فیلم با به پای کاراکترها پیشروی کند، نوع روایت قابل توجه فیلم است. روایتی که در شخصیت‌پردازی‌ها تا حد زیادی جز چند مورد در کاراکترهای مهم، موفق عمل می‌کند و اطلاعات مورد نیاز را بموقع در اختیار بیننده قرار می‌دهد. سیناتور فیلمی قصه‌گو است که می‌تواند قصه‌اش را تعریف کند و مخاطب را با خود همراه کند. تم اصلی فیلم و آنچه بهروز شعبییی در پی آن است، جداسازی یا به عبارتی سکولاریزه کردن انقلاب اسلامی ایران از جریان چپ مارکسیست است. شعبییی این وقایع را با آمیختن به یک داستان عاشقانه، تبدیل به فیلمی جذاب کرده است. روایت فیلم به صورت خطی صورت می‌گیرد اما فیلمساز با استفاده از فلش‌بک‌ها و بازگشت‌های بموقع، از طرفی

**سعید قاسمی:** «سیانور» دومین فیلم بهروز شعبییی، کارگردان فیلم تحسین‌شده «دهلیز» است. وقایع فیلم جدید شعبییی که در جشنواره سی‌وچهارم رونمایی شد در سال ۵۴ اتفاق می‌افتد. در پی ترور ۲ آمریکایی توسط سازمان مجاهدین خلق، یک مامور ساواک با نام بهمنش (مهدی هاشمی) برای دستگیری عاملان ترور گمارده می‌شود. او بعد از تحقیقات متوجه می‌شود بین اعضای تشکیلات سازمان مجاهدین اختلافات ایدئولوژیک به وجود آمده و موجب دودستگی آنها شده است، بهمنش آنها را دستگیر می‌کند و دادگاه حکم به اعدام اعضای سازمان می‌دهد. آنچه در «سیانور» باعث می‌شود مخاطب تا انتهای فیلم با به پای کاراکترها پیشروی کند، نوع روایت قابل توجه فیلم است. روایتی که در شخصیت‌پردازی‌ها تا حد زیادی جز چند مورد در کاراکترهای مهم، موفق عمل می‌کند و اطلاعات مورد نیاز را بموقع در اختیار بیننده قرار می‌دهد. سیناتور فیلمی قصه‌گو است که می‌تواند قصه‌اش را تعریف کند و مخاطب را با خود همراه کند. تم اصلی فیلم و آنچه بهروز شعبییی در پی آن است، جداسازی یا به عبارتی سکولاریزه کردن انقلاب اسلامی ایران از جریان چپ مارکسیست است. شعبییی این وقایع را با آمیختن به یک داستان عاشقانه، تبدیل به فیلمی جذاب کرده است. روایت فیلم به صورت خطی صورت می‌گیرد اما فیلمساز با استفاده از فلش‌بک‌ها و بازگشت‌های بموقع، از طرفی



شخصیت‌پردازی‌ها را انجام می‌دهد از طرف دیگر داستان را به نحوی مطلوب پیش می‌برد به طوری که هر چه از زمان فیلم می‌گذرد ابعاد جدیدی از کاراکترها رو می‌شود. انتخاب این نوع روایت موجب شده روابط بین کاراکترها تا حد زیادی مناسب و به صورت قابل قبول تعریف شود. در سیناتور با ۳ طیف از گروه‌های مختلف اما متصل به یکدیگر رویه‌رو خواهیم بود. طیف اول فریب‌خوردگانی هستند که با شعارهای پوچ و عملکرد براساس احساسات از مسیر اصلی خارج شده‌اند. شخصیت‌های هما (هانیه) (بهروز شعبییی) است که در مقابل گرایش سازمان به مارکس‌واکنش نشان می‌دهند. این واکنش موقعیتی دراماتیک را به وجود می‌آورد که تمام کشمکش‌های بعد از مدتی همسرش از تشکیلات خارج می‌شود. هما از همسر و فرزندش جدا می‌شود تا به سازمان خدمت کند. او پس از گذشت مدت‌ها، با تیری که در بدن دارد به نامزد سابقش (پدرام شریفی) که حالا دستیار بهمنش است پناه می‌آورد. هر چه از رویه‌رو شدن هما و نامزد سابقش می‌گذرد و با دیالوگ‌هایی که بین آنها رد و بدل می‌شود هما به پوچ بودن و تهی‌مایگی آرمان‌های سازمان پی‌می‌برد. طیف سوم که محور اصلی فیلم بر پایه این طیف قرار دارد گروهی متشکل از مرتضی (بابک حمیدیان) و مجید (بهروز شعبییی) است که در مقابل گرایش سازمان به مارکس واکنش نشان می‌دهند. این واکنش موقعیتی دراماتیک را به وجود می‌آورد که تمام کشمکش‌های

عناصر و بایسته‌های ساخت اثری با مختصات سینما را ابطال سازد و فاکتورگیری از بخش‌هایی چون تصویربرداری نباید منتهی به گسست روایت شود. مساله مهم در فیلمی مانند «گاهی» این است که دلیل به‌کارگیری گوشی همراه برای ساخت اثر کمالا بی‌مفهوم به نظر می‌رسد، چرا که از طریق این مدیوم نه می‌توان به درونگاه کاراکترها نگاهی نزدیک‌تر یافت و نه فردیت پرسوناژها با خوداتکایی به روایتی ملموس مشخص می‌شود و در این میان نقش دکوپاژ، میزانسن و طراحی بصری و تشخیص روایی به کل دور ریخته می‌شود.

■ **«لاک قرمز» ساخته سیدجمال سیدحاتمی**
انگار کارگردان به دنبال آن بوده که همه دردها و رنج‌های مصیبت‌آوار را به بهانه امید پایانی فیلم بر سرنوشت کاراکترهایش بدون‌داز! این رو تلخی رخ داده در تمام دقایق پیش از سکانس انتهایی و امید جعلی پایانی هیچ کدام اصل و ریشه‌های عمیق در تفکر را به دنبال نخواهند داشت. کارکرد رنگ قرمز در فیلم از لاک دختر تا خون مادر چندان در درام اثر جای نمی‌گیرند و تنها می‌ماند قصه‌پردازی ملموس نویسنده که می‌تواند تماشاگر را تا پایان مجذوب دنبال‌سازی تقدیر شخصیت اصلی فیلم کند. کاراکتری که دلنتگی‌های نوجوانانه را با غروبسک

خواب‌های کودکمی می‌جوید اما در درون همان ساخته خوبی پدر، موادی خانمانسوز را می‌جوید و مسیری از درد را تجربه می‌کند. فیلم «لاک قرمز» در میانه دچار معضل اکثر فیلم‌ها شده و سکانس‌های بیهوده و موقعیت‌هایی خارج از روایت اصلی فیلم را در پیش گرفته و از این رو وحدت ساختاری اثر از بین می‌رود.

■ **«خانه‌ای در خیابان چهل‌ویکم» به کارگردانی حمیدرضا قافانی**

فیلم «خانه‌ای در خیابان چهل‌ویکم» فضا و روایت را می‌شناسد اما در بیان نگاهش دچار لکت می‌شود و موقعیت‌ها شالکهمندی خود را از دست داده و بحران رخ داده از رمق تعلیق می‌افتد. قربانی در اولین ساخته سینمایی‌اش، قاف‌های هویدا با فضای زیست پرسوناژها را بخوبی نمایان می‌کند اما خفرهای موجود در فیلمنامه توان جاری کردن ایده‌ها را به شکلی دراماتیزه دور می‌کند و فیلم از نیمه راه شده

■ **«خشم و هیاهو» به کارگردانی هومن سیدی**
فیلمی که به دلیل بهره‌مندی از پرورنده جنجالی ششپلا جاهد می‌توانست تبدیل به درام جنایی قابل توجهی شود اما نتیجه به یکی از بدترین‌های جشنواره و بدترین فیلم ساخته شده توسط هومن سیدی تبدیل شده است. «خشم و هیاهو» با نمایش جلوه‌ای از ویلیام فاکتور روی پرده، نگاه شعارگرایانه

**نگاهی به فیلم «سیانور» ساخته بهروز شعبییی از آثار جشنواره فجر**

## اثری دغدغه‌مند و خوش ساخت



بعد از مدتی همسرش از تشکیلات خارج می‌شود. هما از همسر و فرزندش جدا می‌شود تا به سازمان خدمت کند. او پس از گذشت مدت‌ها، با تیری که در بدن دارد به نامزد سابقش (پدرام شریفی) که حالا دستیار بهمنش است پناه می‌آورد. هر چه از رویه‌رو شدن هما و نامزد سابقش می‌گذرد و با دیالوگ‌هایی که بین آنها رد و بدل می‌شود هما به پوچ بودن و تهی‌مایگی آرمان‌های سازمان پی‌می‌برد. طیف سوم که محور اصلی فیلم بر پایه این طیف قرار دارد گروهی متشکل از مرتضی (بابک حمیدیان) و مجید (بهروز شعبییی) است که در مقابل گرایش سازمان به مارکس واکنش نشان می‌دهند. این واکنش موقعیتی دراماتیک را به وجود می‌آورد که تمام کشمکش‌های

**رویدادها**

منوچهر محمدی، تهیه‌کننده سینما:

**می‌خواهند حاتمی‌کیا را ذبح کنند!**



دستگاه‌های مربوط به حوزه سینما باید آستانه تحمل خود را به سطح کارهای فیلمسازی مانند حاتمی‌کیا برسانند. منوچهر محمدی، تهیه‌کننده سینما در گفت‌وگو با برنامه «سینما ملت» اظهار کرد: یک درد و مشکل کلی‌تر این است که جشنواره فجر، بعد از ۲۴ دوره که وارد عمر میانسالی خود شده و باید علائم یختگی و بلوغ در همه اجزا و شاکله آن دیده شود، به نسبت نخستین دوره‌ها، گرفتار زرق و برق و حواشی شده است. این تهیه‌کننده درباره اجحاف رخ داده درباره حاتمی‌کیا در این دوره گفت: شخص حاتمی‌کیا را انسانی دغدغه‌مند و دارای آرمان می‌دانم و چنین شخصی قطعاً خروجی خوبی نیز ارائه می‌دهد. اگر فیلم بادیگار هیچ حرفی ندارد و بخوایم سرپوش غیرمنصفانه و عامدانه بر همه توانایی‌های حاتمی‌کیا در کارگردانی و فیلم‌نامه‌نویسی بگذاریم، باز هم حرفی در این فیلم هست که تهیه‌کنندگان و مخاطبان را به این احساس می‌کشاند که نسل ۵۷ که نسلی آرمانی بودند، اگر شرایط اقتضا کند حاضر است به خاطر نسل ۹۴ خود را قربانی کند. محمدی افزود: نمی‌توانیم چرا «بادیگار» تا این حد مسورد بی‌توجهی و ظلم واقع می‌شود و اصلاً این قضیه را درک نمی‌کنم. احساس می‌کنم امروز حاتمی‌کیا ذبح می‌شود و فردا نوبت من و دیگران خواهد بود.

■ ■ ■

### حاج صادق و خانواده شهیدان واقعی و صمدیه‌لیاف «سیانور» را دیدند

«سیانور» دومین اثر سینمایی بهروز شعبییی در آخرین روز جشنواره ۲۴ فیلم فجر در سالن اصلی برج میلاد اکران شد و میهمانان ویژه‌ای به خود دید. چنانکه حضور حاج‌صادق آهنگران در سالن رسانه‌ای برج میلاد جلب توجه کرد و نیز حضور خانواده شهیدان مجید شریفی‌قاف و مرتضی صمدیه‌لیاف برای تماشای این فیلم قابل توجه بود. فیلم «سیانور» به بخشی از حوادث تنگین رخ داده توسط گروهک تروریستی منافقین در ابتدای انقلاب اسلامی و انشعاب رخ داده در این گروه پیش از انقلاب میان نیروهای مسلمان و خائنان مارکسیست می‌پردازد.

■ ■ ■

محمدامین همدانی، کارگردان انیمیشن «فهرست مقدس»:

### فجر بهترین جایی بود که انیمیشن را جدی بگیرند

کارگردان انیمیشن «فهرست مقدس» که در مراسم اختتامیه بعد از کسب عنوان بهترین انیمیشن این دوره طی سخنانی لزوم توجه مسؤوّلان را نسبت به مدیوم انیمیشن خواستار شده بود، گفت: دوستان به ظاهر نگاه ویژه‌ای داشتند و می‌خواستند انیمیشن را از چشم مخاطب بریانند. نکته این است که شاید بعضی‌ها احساس خطر و فکر می‌کردند جای‌شان تنگ می‌شود که البته این تفکر کودکانی است و به دلیل محافظه‌کاری و عدم بلوغ عده‌ای است. به گزارش تسنیم، وی افزود: همین تفکر پنهانی‌دست جشنواره فجر داد که انیمیشن‌های ما انیمیشن‌های بدی هستند و اگر دیده نشوند به نفع انیمیشن کشور است. این دیدگاه اگرچه در ظاهر خیرخواهانه است اما ترس از تزلزل جایگاه عده‌ای را نمایش می‌دهد. ترس از این موضوع که قرار است هادی محمدیان‌های جدیدی اضافه می‌شوند و این موضوع رزومه عده‌ای را خراب می‌کند. من فکر می‌کنم افرادی صفت‌بندی‌هایی را انجام‌دادند که انیمیشن‌های انقلابی با افراد انقلابی را تفکیک کنند و سعی دارند با ما دشمنی کنند. همدانی درباره فرصت از دست‌رفته وزارت ارشاد و ظرفیت بالای سینمای انیمیشن صحبت کرد و گفت: فجر بهترین جایی بود که انیمیشن را جدی بگیرند و البته هزینه‌ای هم برایشان نداشت. فقط کافی بود تا اکران خوب به انیمیشن‌ها می‌دادند. مگر یک سیمرغ چه قدر هزینه می‌برد؟ انیمیشن‌ها هر کدام چیزی در حدود یک میلیارد هزینه دارد درحالی‌که یک سیمرغ شاید در نهایت ۵ میلیون برای وزارت‌خانه خرج داشته باشد. اینها هزینه‌ای برای وزارت ارشاد نیست اما در مقابل، آنها جدی شدن صنعت انیمیشن و ورود سرمایه‌های خصوصی و چرخیدن چرخ سینمای انیمیشن را به‌دست می‌آوردند که می‌توانستند به همین راحتی روی این موج سوار شده و آن را به نام خود تمام کنند.